

ایران و مطبوعات جهان

روزنامه لوموند در شماره ۱۲۵ و ۱۲۶ (۲ شهریور ۶۰) نوشت:

روزنامه اسرائیلی هارتز - که بخاطر مستقل و جدی بودنش معروف است - در شماره ۱۲۳ و ۱۲۴ خود به پلمیک مربوط به ادامه روابط با زرگانی دولت‌های اسرائیلی و جمهوری اسلامی، ابعاد تازه‌ای بخشیده است. این روزنامه از قبول منابع صلاحیتدار اقتصادی می‌نویسد که اسرائیل از چندین ماه پیش صادرات خود به ایران را از سر گرفته است. صادرات اسرائیل به رژیم اسلامی بالغ بر ۴۰ میلیون دلار است و این رقم یک سوم مبلغ صادرات اورشلیم به تهران در زمان شاه می‌باشد. البته در این رقم ارسال تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی منظور نشده است. به نوشته هارتز، رژیم اسلامی در معاملات خود از "پوشش" شرکت‌های اروپایی استفاده می‌کند. بازرگانی کالاهای صادراتی اسرائیل به بنادر ایران، در بندر هسای روتردام (هلند) و بنادر مختلف ایتالیا صورت می‌گیرد.

هفته‌نامه "الفریک - آزی" چاپ پاریس در شماره ۲۴۶ مورخ ۱۷ اوت ۸۱ در همین زمینه می‌نویسد:

"فلی رغم تکذیب رسمی تهران، مناسبت دیپلماتیک در پایتخت ایران متحدالقولند که به پیشینه درجانی در زمان نخست وزیر پیش در خواست ارسال اسلحه و لوازم بدگی و تجهیزات ات نظامی از اسرائیل - که اکثر "ساخت آمریکا و یا منشاء آمریکائی دارند - آغاز شده و به نتیجه رسیده است. پیداست که این معاملات از طریق مذاکره مستقیم بین مقامات ایرانی و اسرائیلی صورت نگرفته بلکه توسط یک افسر عالی‌رتبه بازنشسته یکی از کشورهای عضو پیمان ناتو، به عنوان رابط و فرید مورد قبول دودولت، انجام شده است."

روزنامه‌های جیره خوار و صدامی دروغ بیاف رژیم جمهوری اسلامی، پس از خروج فرانسویان از ایران اعلام داشتند که فرانسویان راضی به خروج از ایران نبودند و با بی میلی کشور را ترک کردند. مطبوعات خارجی بویژه فرانسوی دقیقاً عکس این ادعای دروغین را اظهار داشته اند و در این زمینه برای نمونه، نکته‌ای آرفیکارو، مورخ ۷ اوت ۸۱ نقل می‌کنیم:

"وقتی که سفارت فرانسه در تهران تصمیم دولت را به فرانسویان مقیم ایران اعلام داشت، در مدتی کمتر از یک ساعت، حدود ۶۰ نفر از (میان حدود ۱۰۰۰ نفر) فرانسویان مقیم ایران، در فرودگاه مهرآباد حاضر شدند."

در هنگامیکه دولت جمهوری اسلامی برای اطمینان بخشیدن به دولت فرانسه اعلام میداشت که فرانسویان مقیم ایران نیاید بیدیهی چه نگرانی داشته باشند، سخنگویان "فرانسوی" ولی موثر رژیم نظیر آیت اله مشکینی نظر دیگری اببراز میداشتند:

"آیت اله مشکینی در اقامه نماز جمعه قم اعلام کرد که در صورت بی‌نهادن بنی‌صدر جنا پیکار و رجوع تروریست، ملت مسلمان ایران بهمان ترتیبی با فرانسه عمل خواهند کرد که قبلاً با آمریکا ثیان کردند" (لوموند - ۸ اوت ۸۱)

"گفته‌های آیت اله مشکینی در نماز جمعه قم موجب نگرانی‌هایی در فرانسه شده است چرا که ائمه جماعت قم و تهران از سخنگویان موثر خمینی می‌باشند... خمینی ناظر امروز، شبیه هیچ مطلبی درباره روابط ایران و فرانسه بیان نکرده است - گرچه در مورد گروگانگیری آمریکائی‌ان نیز از قبل از وقوع آن چیزی نگفته بود و فقط بعد از انجام عمل، از آن پشتیبانی کرد" (لوموند - ۸ اوت ۸۱)

"با وجود سخنان اطمینان بخش وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، واقعیت امر اینست که در ایران امروز، سخنان یک وزیر در مقابل گفته‌های یک آخوند را باید به هیچ گرفت"

(فریکارو، ۷ اوت ۸۱)

پس از خروج فرانسویان از ایران، ممنوعیت تمامی بنی‌صدر و رجوع نیز عملی‌گرداشته شد. حزب سوسیالیست (حزب حاکم) فرانسه، اعلامیه‌ای داد که در آن بطور ضمنی از بنی‌صدر و رجوع حمایت شده است. قبل از نقل یکی دو عبارت از این اعلامیه بدینست یک نکته عجیب را متذکر شویم: رادیوتلوویزیون‌های دولتی فرانسه که بی‌انگیز نظر دولت سوسیالیست فرانسه است گرا بی‌اشکار به سلطنت طلبان و طرفداران شاهپور بختیارشان می‌دهد و در رابطه با مسائل ایران، رادیوتلوویزیون‌های دولتی فرانسه به نحو تقریباً انحصاری به طرفداران شاهپور بختیار و سلطنت طلبان چشم می‌دوزند. در حالیکه حزب سوسیالیست فرانسه بطوریکه در زیر مشاهد می‌شود، نظری دیگری دارد:

"... اوضاع ایران که از پیا مدهای آن وخیم شد و رابطه فرانسه و مقامات ایرانی است باعث نگرانی حزب سوسیالیست فرانسه است. پروسه‌ای که منجر به عزل پوزیدان بنی‌صدر و روی کار آمدن جانشین او شد، افزایش شدید اعدام‌ها را به دنبال داشت... دولت ایران بموازات جنگ با عراق، منازعه داخلی علیه خواستهای اقلیت‌های ملی از جمله کردها را دنبال می‌کند که در تداوم خود میتواند به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل گردد. برانسروای سیاسی ایران در صحنه بین‌المللی بایست مشکلات عظیم اقتصادی را اضافه کرد. تعصب خنک سیاسی - مذهبی، خواستهای آزادخوا-

هائیه مردم ایران را که سالها در حال مبارزه اند، به یاسی بدل کرده است. این شرایط بهیچ عنوان نمیتواند ترزهای صدا - فغان رژیم سلطنتی را - که سهمی بسزرگ در این تحولات منفی ایران دارد - موجه جلوه دهد. حزب سوسیالیست فرانسه که به افشاء دیکتاتوری شاه دست زده بود، اعمال رژیم فعلی را نیز که بهمان میزان سرکوب - گراناست، محکوم میکند (لوموند ۱۶-۱۷ اوت ۸۱).

هفته نامه "افریک - آزی" در شماره ۱۱۷ اوت ۸۱ درباره جنگ ایران و عراق نوشت: "حزب جمهوری اسلامی (درست در زمان بنگ - سازمان آیت الله بهشتی برای بدست گرفتن کامل قدرت نقشه می کشید)، خواستار جنگ ایران و عراق بود تا بدین وسیله ارتش را با جنگ مشغول کند. از طرف دیگر مسعود رجوی اظهار داشته است: مدارک ضبط شده بروی نوآرد را اختیار دارد که نشان میدهد دروفا نیون حاکم دست به تحریک عراقی ها زده اند".

ژان گیراس، خبرنگار رورنا مه لوموند مصاحبه مفصلی با مسعود رجوی بعمل آورد که در شماره ۱۲۷-۱۶ اوت ۸۱ آن روزنامه به چاپ رسید. در زیر دو سه نکته جالب این مصاحبه را نقل میکنیم. خبرنگار لوموند می پرسد:

"آیا شما با جمهوری اسلامی موافقت میکنید؟"

رجوی جواب میدهد: "ما خواستار رژیم اسلامی دموکراتیک هستیم که با جمهوری اسلامی خمینی - که ارتجاعی و غیر اسلامی است - فرق دارد".

(فراموش نکنیم که دو سال و نیم پیش، قبائل از برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، مهربانی با زرگان نیز خواستار "جمهوری اسلامی دموکراتیک" شده بود که این مطلب در روزنامه های همان ایام نیز منعکس شد).

مسعود رجوی در پاسخ به یک سؤال دیگر خبرنگار روزنامه می گوید:

"... این تنها شاه نبود که ما را متهم به مارکسیست اسلامی میکرد. خمینی هم اینکار را میکند... (در حالی که ((ما مسلمانیم، و افکار فلسفی مان بکلی با تئوریهای مارکسیستی فرق میکند".

ژان گیراس از رجوی می پرسد:

"چه کسانی میتوانند در شورای ملی مقاومت شرکت کنند؟"

رجوی در جواب میگوید:

"تمام کسانی که اصول ما را در مورد آزادی و استقلال بپذیرند میتوانند در آن شرکت کنند بشرط آنکه با شاه و خمینی همکاری نکرده باشند" (تا کیدها از ما است).

خبرنگار موقع تماس و نکته مسج لوموند بلافاصله سؤال میکند:

"بنا بر این شما بنی صدر را که یک مال و نیم رئیس جمهور رژیم خمینی بود، کس...

رجوی در جواب میگوید: "بنی صدر را که یک مال و نیم رئیس جمهور رژیم خمینی بود، کس...

میگسذارید؟" رجوی که در انتظار چنین سؤال ظریفی نبود، میگوید که قضیه را ما ست مالی کند:

"فکر نمیکنم آنچه شما می گوئید درست باشد. من نمیخواهم نقش وکیل مدافع آقای بنی صدر را ایفا کنم... ما ((بنی صدر و محاهدین)) در یک مورد مشخص یعنی دموکراسی و عدم پذیرش دیکتاتوری بهم ملحق شده ایم".

روزنامه لوموند، در ۱۳ اوت ۸۱، عکسی از دانشجویان مبارز ایرانی بهنگام اشغال سفارت جمهوری اسلامی در اسلو (نروژ) به چاپ رسانیده است. در این عکس، دانشجویان مشغول سوزاندن عکسها و کتابهای آیت الله خمینی هستند.

پس از ورود مسعود رجوی به پاریس، نشریه جدیدی بزبان فارسی با برعصه وجود گذاشت بنام "نشریه انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه" که شماره سوم آن در ۶ شهریور ۶۰ انتشار یافت. در سر مقاله شماره ۳، که گویا بقلم مسعود رجوی نوشته شده از جمله آمده است:

"ارتجاع حاکم با همه عقب ماندگی و کندذهنی اش این نکته را بخوبی دریافته است که سفر مسئولین شورا ((ی ملی مقاومت)) به پاریس، سقوط قریب الوقوع حکومتش را بیش از پیش تسریع میکند".

در همین شماره نشریه اعلامیه ای از مجاهدین مورخ ۳۱ مرداد ۶۰ که از رادیوی صدای مجاهد قبلا پخش شده چاپ گردیده و در برخی از آن آمده است:

"با اعضاء مجلس، کابینه و مسئولین، اعضاء سایر ارگانها و نهادها ی ارتجاعی قضائی، انتظامی و تبلیغاتی" اغیار همیشه در صورتیکه ارمناسبت و موقعیتهای خود استعفاء بدهند در تمام جنبایات خمینی

و رژیم ارتجاعی اوسهیم و شریک بوده و از قهر خدا و خشم استقام خلق و نیروهای انقلابی و مقاومت مردمی در امان نبوده و به سزای شرکت در این جنبایات خواهند رسید".

در شماره ۳ نشریه، چندین پیام چاپ شده است که هر یک از آنها دارای معانی خاصی سیاسی میباشد و اطلاع از آنها حاثرکمال اهمیت است:

۱- چاپ اعلامیه ای از سازمان عقوبتین المللی و بیامهای پشتیبانی این سازمان از مجاهدین و رجوی.

۲- چاپ پیام مورخ ۱۲ اوت ۸۱ حزب سوسیالیست ایتالیا (که رئیس جمهور کنونی این کشور نیز عضواً بس حزب است) به مسعود رجوی - در بخشی از این پیام خطاب به رجوی آمده است:

"سفر پرخطر شما را ایران و ورودتان به فرانسه را صمیمانه تبریک گفته... خواستار برسمیت شناخته شدن نقش اصلی شما در سطح بین المللی بوده و آرزو مند بارگشت شما و پیروزی مردم ایران میباشم".

۳- "حزب دموکرات کردستان ایران - تشکلات

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

"مجا هدیین خلق و سا بیرنیروهای ضدخمینی به حملات خود علیه پاسداران اسلامی در تهران و سایر نقاط همچنان ادامه میدهند. طبق گزارشات واسطه، پنج پاسدار از یک مفاز در تهران بیرون کشیده شده و در گوشه خیابان اعدام شده اند. همچنین گفته میشود که ۲۶ تن از نمایندگان برگزیده خمینی در دادگاه های انقلاب در نقاط مختلف کشور توسط نیروهای مخالف رژیم بقتل رسیده اند."

▲ اگونومیست لندن در شماره ۵ مورخ ۵ سپتامبر ۸۱ مینویسد:

"اگرا و ((خمینی)) کشته شود بنظر من میرسد که حزب جمهوری اسلامی قادر به ادامه ی کار باشد. در بین آخوندها اتفاق نظری وجود ندارد. دویا سه تن از آیت الله ها، که از نظر مقام و دانش بر آیت الله خمینی برتری دارند، از حزب خارج مانده اند و بنحو غیر فعالی به نقش رهبری خمینی و دیگر روحانیان فرساست، انتقاد دارند..."

نیروهای مسلح دقیقاً بیطرف مانده اند؛ رهبران آن وفاداری شخصی خود را نه به رژیم بلکه به آیت الله خمینی - همچون ژنرال های آلمانی به هیتلر - اعلام کرده اند و دولتی توده ها بگیا رچه نیستند؛ نیروی دریایی همواره محافظه کار و سلطنت طلب بوده در حالی که نیروی هوایی به جمهوری خواهی و چپ گرایش داشته است."

اروپا " پیامی برای " سازمان مجا هدیین خلق ایران " و آقای مسعود رجوی " می فرستد و در اعلامیه ای به امضاء " مجا هدیین خلق ایران پاریس ، ۶۰/۵/۲۰ ، از پیام آنها تشکر می شود .

۴- مهمترین رزیمه ، چاپ پیام " حزب کمونیست سوئیس " مورخ ۱۲۱ و ۸۱ (۹ شهریور ۶۰) خطاب به مجا هدیین است که در آن از جمله اشاره میشود که انقلاب ایران را " نیروهای مختلف و بعضاً " متضاد و طبقات و بخشهای اجتماعی گوناگون " بوجود آورده اند .

" اما دیری نمی پاید که اختلافات بین مسلمانان قشری و جناحهای مترقی ، دموکرات و سوسیالیستها آغاز میشود . مسلمانان قشری به تنهایی برای ایران حکومت میکنند ولی هنوز اثبات نکرده اند که ما بیل به تحقق اصلاحات عمیق و دموکراتیک میباشند ."

در پیام " حزب کمونیست سوئیس " پس از اشاره به " فقدان یک برنامه اقتصادی و اجتماعی " در جمهوری اسلامی ، سیاست خارجی " مسلمانان قشری " که " ضد شوروی و ضد کمونیست " است مورد انتقاد قرار میگیرد و اضافه میشود که " ضد کمونیست بودن در سیاست داخلی ایران نیز بجز خوبی مخصوص است . آنچه حسا بهیهای خونین با نیروهای که قاطعانه ضد کمونیست میباشند برای آینده و تکامل بمدی انقلاب ، همراه است ."

▲ " مجله تایم " در شماره ۲۱ مورخ ۲۱ سپتامبر ۸۱ در باره ای اعدای دستجمعی و مخفی رژیم جمهوری اسلامی مینویسد :

" در شب ۲ سپتامبر ((۲۱ شهریور ۶۰)) یک گروه از پاسداران اسلامی تادندان مسلح ، در کاروانشی از جیب ها و مینی بوسهای خالی وارد محوطه زندان اوین در شمال تهران شدند . در حضور نگهبانان خواب آلوده - و متعجب - زندان ، ۱۵۰ نفر از زندانیان را ، که بسیاری از آنها اخیراً بطر جرایم سیاسی توسط دادگاههای واپس گرای رژیم تحسینی محاصره ای خمینی محکوم شده بودند ، جمع آوری کردند . و این عده را در گروههای هشت الی ده نفری ، بطرف جیبها و مینی بوسهای در حال انتظار بردند ."

" تایم " مینویسد که : از طریق منابع داخل رژیم خمینی مطلع شده است که زندانیان ، از جمله تمسدادی جوانان کمسال ، از اوین به مکانهای نامشخصی بردند و بقتل رسیدند . اقوام سایر مخالفین اعدام شده که " تلی از اجساد بدون مراتب " در گورستان بهشت زهرا ، در جنوب تهران ، سرگردان بودند موفق شدند که پاره ای از زندانیان نا پدید شده را شناسایی کنند . " تایم " اضافه میکند که ناظران در تهران معتقدند که عکس العمل مخالف هم در ایران و هم در خارج دو مقابل موج کشتارها ، خمینی را وادار کرده است که ((علاوه بر اعدای هر روزی اعلام شده توسط رژیم)) به روشهای مخفی شاه توسل شود . این نشریه در جای دیگری در همین شماره مینویسد :

کمکهای مالی دریافت شده

منهد	بوکان	آمل
ف	ع	ش
۵۰۰۰	۲۰۰	۳۱۱۱
۵۰۰۰	ع	بدون کد
رفقای هوادار	۷۰۰	۱۰۵۰
۱۰۰۰۰	رشت	ایفهان
انگلستان	ز	ک
بدون کد	۷۰۰۰	۲۰۰۲۱
۴۰۰۰۰	۵۰۰۰	بایل
شیکاگو	بدون کد	ش
م - ب	۵۰۰۰	۴۰۰۰
۵۲۵	کرج	بدون کد
ش - ف	۴۰۰۰	۴۰۰۰
۲۹۰۰۰۰	ن	بروجرد
لس آنجلس	۱۰۱۲	بدون کد
ع	کرمانشاه	۱۱۰۰
۱۱۰۰	الف	بندر عباس
هوستن	۳۲۲۰	۴
د - ه	۴	۴۰۰۰
۱۰۰۰	۵۲۲۱	
رفقای هوادار	ن	
۲۵۰۰۰۰	۱۱۱۱	

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا